

اثربخشی اشعار وحشی بافقی از نهج البلاغه امام علی علیه السلام

فاطمه نوریان\* / بهرام پروین\*\* / زهرا قرقی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

چکیده

تاکنون پژوهشی جامع در زمینه تاثیر نهج البلاغه بر اشعار شمس‌الدین محمد وحشی بافقی، یکی از شعرای معروف دوره صفویه که از ارادتمندان علی علیه السلام نیز بود، انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف دستیابی به تاثیرپذیری اشعار وحشی بافقی از نهج البلاغه، صورت پذیرفت. با مطالعه کامل مجموعه دیوان اشعار وحشی بافقی، یافته‌های پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی با در نظر گرفتن شیوه‌های متداول تاثیرپذیری، بررسی شدند. با مقایسه داده‌های جمع‌آوری شده با خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه در موضوعات انتخاب شده، در حدود ۵۰ موضوع کلامی، اخلاقی، تعلیمی و تربیتی در اشعار وی، شناسایی شد که می‌تواند نشأت گرفته از سخنان علی علیه السلام باشد. موضوعات مورد نظر که شامل شناخت خدا، صبر، عفو، قناعت، رزق، حسد، خاموشی، تکبر و غرور، علم و آگاهی علی علیه السلام بود، نشان داد که بیت‌هایی از وحشی بافقی را می‌توان به صورت بینامتنی متأثر از نهج البلاغه علی علیه السلام دانست. برای رعایت اختصار تنها به آوردن بیت یا بیت‌هایی از قالب‌های شعری که متأثر از کلام امام علیه السلام است، اکتفا شده است.

واژگان کلیدی

نهج البلاغه، وحشی بافقی، شاعران دوره صفویه، بینامتنی.

\*. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[fatemeh.nourian@yahoo.com](mailto:fatemeh.nourian@yahoo.com)

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[bahramparvin47@gmail.com](mailto:bahramparvin47@gmail.com)

\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[z.ghoroghi99@gmail.com](mailto:z.ghoroghi99@gmail.com)

### مقدمه

کلام امام علی علیه السلام بر اشعار و نوشته‌های شاعران و نویسندگان بسیاری سایه افکنده است و می‌توان ادعا کرد که در آن‌ها به‌طور مستقیم و یا به‌صورت بینامتنی هویدا است. به بیان دیگر، ادبیات فارسی به‌طور چشمگیری متأثر از کلام امام علی علیه السلام است. از این رو، تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه سخنان امام علیه السلام و تاثیر آن بر اشعار شاعران انجام شده است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عده‌ای از شاعران بیشتر به مدح امام علی علیه السلام پرداخته‌اند. مداحی امام علیه السلام توسط شاعران مشهور بیشتر در دوره صفویه اتفاق افتاده است. هرچند که در آن دوره هم اثرگذاری کلام امام علیه السلام بر شعر شاعران مشاهده شده، ولی کمتر پژوهشی در این مورد انجام شده است.

### بیان مسئله

با وجود اینکه انتظار می‌رود به دلیل شیعی بودن شاهان صفوی و فضای آزاد موجود برای استفاده از بیانات امامان معصوم علیهم السلام، شاعران دوره صفویه تاثیرپذیری بیشتری از نهج البلاغه داشته باشند، گزارش جامعی ارائه نشده است. از این رو، در این پژوهش، برای دستیابی به تاثیرپذیری اشعار وحشی بافقی از نهج البلاغه ابتدا دیوان وحشی بافقی، یکی از شاعران دوره صفویه، مطالعه و سپس، با موضوعی کردن اشعار وی به بررسی متاثر بودن آن‌ها از کلام امام علیه السلام پرداخته شد. موضوعات موردبررسی شامل شناخت خدا، عفو، صبر، رزق، قناعت، حسد، خاموشی، تکبر و غرور، علم و آگاهی حضرت علی علیه السلام، بودند. بدیهی است که ارائه این اشعار به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست. از این رو، تنها به ارائه شاخص‌ترین بیت‌ها اکتفا شده است.

### پیشینه پژوهش

#### پیشینه نظری

با پیدایش اسلام، ادبیات فارسی تحت تاثیر دین و فرهنگ اسلامی قرار گرفت. به گونه‌ای که این تاثیر در اشعار بیشتر شعرا مشهود است. یکی از شیوه‌های تاثیرپذیری آثار ادبی از متون دیگر، بینامتنی (بینامتنیت) است. در این شیوه انتقال معنی یا لفظ و یا هر دو از متنی به متن دیگر صورت می‌پذیرد. در گذشته این شیوه به سرقت ادبی و یا اقتباس، تلمیح و تضمین نیز شناخته می‌شد.



در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، این شیوه در آثار ژولیا کریستوا (Julia Kristeva) در بررسی اندیشه میخائیل باختین (Mikhail Bakhtin)، در بحث از «تخیل گفت و گویی» او مطرح شد. از آن پس، دیگر معنا مبتنی بر نیت مؤلف قلمداد نمی‌شد و خواننده با توجه به پیش زمینه‌های ذهنی خود معنایی ویژه را از متن برداشت می‌کرد. این روند به پیدایش رویکرد بینامتنیت منجر شد. به‌طور کلی، «بینامتنیت مبتنی بر این اندیشه است که متن، نظامی بسته، مستقل و خود بسنده نیست. بلکه پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد. در واقع کریستوا معتقد است، هیچ متنی آزاد از متون دیگر نیست» (مکاریک، ۷۲: ۱۳۹۰).

در بینامتنیت، انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، نقشی مهم در تفسیر متون دارد. سخنور گاهی با ارتباط‌های بینامتنی همچون تلمیح و استشهاد متن‌های گذشته را با متن حاضر پیوند می‌زند و بنابر تعبیر میخائیل باختین به مکالمه‌گری در متن می‌پردازد و حوزه معنا و زیبایی را گسترش می‌دهد (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۹۳).

بینامتنیت، دارای سه رکن اصلی متن پنهان، متن حاضر و روابط بینامتنی است. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، روابط بینامتنی نام دارد و مهم‌ترین رکن نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. بازآفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر، به سه صورت نفی جزئی یا اجترار، نفی متقارن یا امتصاص و نفی کامل یا حوار انجام می‌گیرد (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷). در نفی کامل افزون بر انکار متن پنهان، معنای متن پنهان نیز واژگون می‌شود. در نفی متقارن معنای دو متن یکی است، ولی از دو زاویه به معنایی نزدیک به هم اشاره دارند. در نفی جزئی، بخشی از متن پنهان مورد رد و انکار قرار می‌گیرد.

در زیر به چند نمونه از این نوع اشعار اشاره می‌شود.

نگارنده بر شده گوهر است	ز نام و نشان و گمان برتر است
نبینی مرنجان دو بیننده را	به بینندگان آفریننده را
که او برتر از نام و از جایگاه	نیابد بدو نیز اندیشه را

(فردوسی)

بیت‌های مورد اشاره را می‌توان به سخن علی عَلِيٍّ در خطبه ۴۹ نسبت داد که «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ خَفِيَّاتِ الْأُمُورِ، وَ دَلَّتْ عَلَيْهِ أَعْلَاءُ الظُّهُورِ، وَ اَمْتَنَعَ عَلَيَّ عَيْنِ الْبَصِيرِ، فَلَا عَيْنٌ مِنْ لَم يَرَهُ



تنکره... سَبَقَ فِي الْعُلُقِ فَلَا شَيْءَ أَعْلَى مِنْهُ؛ حمد و سپاس خداوندی که از پوشیده‌ها آگاه است و نشانه‌های آشکار بر او دلالت می‌کنند. امکان ندارد بر چشم بینندگان ظاهر شود؛ چشم کسی که او را ندیده نمی‌تواند انکارش کند؛ ... در بالا بودن، کسی نتوانسته بر او پیشی بگیرد (دشتی، ۱۳۸۰: ۲۳).  
و یا:

هرکه را اندک است مبلغ عقل      بیهده گفتنش بود بسیار  
مرد را عقل چون بیفزاید      در مجامع بکاهدش گفتار  
(ناصرخسرو)

این بیت‌ها را می‌توان برگرفته از سخن امام علیه السلام در حکمت ۷۱ نهج البلاغه دانست که «إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ» چون عقل کامل باشد، سخن اندک می‌شود (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۹۴).  
همچنین:

فرض بود بر همه شکر و سپاس      شکر و سپاسی نه به حد قیاس  
شکر و سپاسی که خدا را سزد      خالق ما، رازق ما را سزد  
(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۱۵)

این سروده وحشی بافقی را نیز می‌توان به یکی از سخنان علی علیه السلام در خطبه ۱/۱۸۲ نسبت داد که می‌فرماید: الْحَمْدُ لِلَّهِ... نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ...، حَمْدًا يَكُونُ لِحَقِّهِ قَضَاءً، وَلِشُكْرِهِ آدَاءً... ستایش مخصوص خداوند است... خدا را بر احسان بزرگ اش سپاسگزاریم... حمد و سپاسی که حق او را انجام دهد و شکر سزاوار او را اداء کند (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۰۰).

#### پیشینه تجربی

تاکنون پژوهش زیادی در زمینه نهج البلاغه و تاثیر آن بر اشعار شاعران انجام و نتایج آن‌ها گزارش شده است. یکی از منابعی که به این موضوع پرداخته است، کتاب «تاثیر نهج البلاغه و کلام امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در شعر فارسی» (رائی، ۱۳۸۳: ۱۴۹) است. این کتاب، ضمن ارائه بیت‌هایی از شاعران بزرگ، آن‌ها را متأثر از نهج البلاغه دانسته است.  
پژوهشگران دیگری نیز در این زمینه گزارش‌هایی ارائه داده‌اند. برای مثال، پورهادی نمونه‌هایی از اشعار و آثار نثر شاعران و نویسندگان فارسی از رودکی تا دوره صفویه را مطالعه و تاثیرگذاری کلام علی علیه السلام بر آن‌ها را بررسی کرده است (پورهادی، ۱۳۹۱: ۲۸۱).



مختاری و محیی ضمن اشاره به گزیده‌ای از آثار خیام نیشابوری، آن‌ها را به صورت بینامتنی نشأت گرفته از کلام امام علی علیه السلام می‌دانند (مختاری و محیی، ۱۳۹۱: ۲۵۸).

حسینی در مقاله‌ای با روش توصیفی-تحلیلی، چگونگی تاثیرپذیری ناصر خسرو از سخنان امام علی علیه السلام را بررسی کرده است (حسینی اجدادنیایی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). خضری نیز با اشاره به بیت‌هایی از ناصر خسرو، اشعار وی را متأثر از کلام علی علیه السلام می‌داند (خضری، ۱۳۹۴: ۸۴).

در پژوهش‌های یادشده، بیشتر آثار شاعران پیش از صفویه بررسی شده است. شاعران دوره صفویه نیز به صورت بینامتنی از سخنان علی علیه السلام بهره برده‌اند. برای مثال، می‌توان به صائب تبریزی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی، کلیم کاشانی و بیدل دهلوی اشاره کرد که ابیاتی از آنان نشأت گرفته از سخنان علی علیه السلام است (خورانی، ۱۳۸۹: ۲۵ و حجت، ۱۳۹۰: ۴۷).

در باره آثار شاعران معاصر نیز پژوهش‌هایی انجام و نتیجه‌گیری شده است که بخش‌هایی از اشعار آنان متأثر از سخنان امام علی علیه السلام است. در بین این شاعران می‌توان به پروین اعتصامی (همتی و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۱۲) و شهریار (ساحلی زادگان، ۱۳۹۷: ۴) اشاره کرد.

#### ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اینکه صفویان شیعه بوده‌اند و در دوره آنان هیچ ممانعتی برای بهره‌مندی از سخنان امام علی علیه السلام وجود نداشته است، انتظار می‌رود که شاعران آن دوره نسبت به شاعران دوره‌های دیگر بیشتر از نهج البلاغه متأثر بوده باشند، ولی پژوهشی جامع در مورد این تاثیر صورت نگرفته و گزارشی ارائه نشده است. وحشی بافقی نیز از این موضوع مستثنی نیست. از این رو، ضروری بود در مورد تاثیرپذیری اشعار وی از نهج البلاغه، پژوهشی صورت گیرد که در مقاله پیش رو، نتیجه پژوهش در مورد اثرپذیری اشعار وحشی بافقی از نهج البلاغه ارائه شده است.

#### مباحث اصلی

##### نگاهی کوتاه به مجموعه‌های سخنان امام علی علیه السلام

ابوالحسن محمد الرضی الموسوی در قرن چهارم هجری مجموعه‌ای از سخنان امام علی علیه السلام را با عنوان نهج البلاغه گردآوری کرد. این کتاب درهای دانش را به روی طالبان و عالمان



می‌گشاید و جویندگان راه بلاغت را به مقصود نزدیک می‌سازد. محتوای این کتاب شامل مسایل علمی، ادبی، دینی، اجتماعی، عرفانی، اخلاقی و سیاسی است. ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، یکی از علمای سنی می‌گوید نهج البلاغه نظیر قرآن است که اول، وسط و آخرش همانند هم هستند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۵: ج ۱۰/۱۲۸). آنچه که اهمیت دارد این است که امام علیه‌السلام هیچ يك از خطابه‌ها و سخنان را با آمادگی قبلی، ارائه نداده‌اند و متناسب با رویدادهای آن زمان به‌طور ناگهانی بیان شده‌اند. به اذعان اهل فن، نهج البلاغه کتاب زندگی و نیاز روزگار ماست و همواره مورد توجه خواص است. فرهیختگان زیادی دواى درد خود را در این کتاب جسته و از زلال کوثرش تشنگی جان خود را زدوده‌اند (دین‌پرور، ۱۳۸۰: ۹۸).

غررالحکم و دررالکلم مجموعه دیگری است که دربرگیرنده سخنان علی علیه‌السلام است. این کتاب توسط عبدالواحد امدی در قرن پنجم هجری گردآوری شده و محمدعلی انصاری آن را ترجمه کرده است. حدود شش هزار جمله و حدیث در این کتاب ارائه شده است.

#### نگاه کوتاهی به زندگینامه شمس‌الدین محمد وحشی بافقی و سبک اشعار او

مولانا شمس‌الدین (کمال‌الدین) محمد در سال ۹۳۹ هجری در بافقی یزد به دنیا آمد. او همراه برادر شاعرش نزد شرف‌الدین علی بافقی (متوفای ۹۷۴ هجری) به کسب دانش پرداخت. وحشی بافقی در اوایل جوانی به کاشان رفت و مدتی در آنجا مکتبی را اداره می‌کرد. او تخلص «وحشی» به معنی عزلت را برای خود انتخاب کرد تا از صدمات مادی و معنوی مصون بماند. وی ۴۶۲ بار از این تخلص در دیوانش استفاده کرده است. او معاصر شاه تهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴)، شاه اسماعیل دوم صفوی (۹۸۴-۹۸۵)، سلطان محمد خدابنده صفوی (۹۸۵-۹۹۶) و هم عصر شعرایی همچون شمس‌الشعرا کمال‌الدین محتشم کاشانی (متوفای ۹۹۶) بود. از این رو، مدح شاهان و حاکمان صفوی در آثار وی مشهود است. افزون‌برآن، اشعاری در مدح حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام و امام زمان علیه‌السلام، سروده است.

اشعار وحشی بی‌پیرایه و روان است. در شعر از همه بیشتر به نظامی و سعدی نظر دارد و گاهی بیت‌هایی را از آنان تضمین کرده است (هاشم‌پورسبحانی، ۱۳۹۲: ۵۰).

ارزش شعر وحشی به دلیل تأثیری است که در تغییر سبک شعر فارسی در قرن دهم شده



است. این سبک به سبک بازگشت و یا «مکتب وقوع» معروف است (سادات مقداری، ۱۳۹۲: ۲۶). مرحله «وقوع» به معنای بیان جزئیات معاملات عشق و محبت به صورت آشکار و «واسوخت» به معنای بیزاری و روبگردانی از معشوق است (شمیسا، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

در اشعار وحشی بافقی، عاشق سخنگو و معشوق ساکت است.

مکن نادیده وز من تند چون بیگانان مگذر مرا شاید که جایی دیده باشی چشم بر من کن

(وحشی بافقی، ۱۳۹۲: ۱۲۸)

عاشق رنج‌دیده از بی‌توجهی معشوق، گاهی او را تهدید می‌کند که برای همیشه از وی روی برمی‌گرداند. روی برگرداندن از معشوق، ویژگی مکتب واسوخت است که خود وحشی بافقی خالق آن است. (شمیسا، ۱۳۹۷: ۱۷۶)

نه که اینبار چو هر بار دگر خواهیم رفت نیست باز آمدنم باز اگر خواهیم رفت

(وحشی بافقی، ۱۳۹۲: ۲۵۸)

عنصر بیشتر اشعار وحشی بافقی عشق است. به بیان دیگر، وی شاعری وقوع پرداز بوده است. با این وجود، بخش زیادی از بیت‌ها و اشعارش به موضوع تعلیم و تربیت اختصاص دارد. او مدتی به مکتب‌داری اشتغال داشته و پاره‌ای از موازین و شیوه‌های تعلیم و تربیت در اشعارش انعکاس یافته است. خلد برین که اثری تعلیمی - اخلاقی است، از آثار اوست. مهمتر از آن، تبیین مفاهیم دینی و اخلاقی چون جود، بخشش، قناعت، عدل و انصاف و تحسین آن‌ها و تشریح ردایل اخلاقی چون کبر، حرص، حسد و تظاهر از موضوعاتی است که جنبه تعلیمی و اخلاقی شعر او را برجسته کرده است (طغیانی و علیزاده، ۱۳۹۴: ۱-۳۶).

دیوان اشعار وحشی شامل ۹۰۷۶ بیت است که قالب‌های شعری آن‌ها در جدول ۱ آورده شده‌اند. مشهورترین مثنوی‌های او شامل مثنوی خلدبرین در وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن و بحر سریع مسدس مطوی مکشوف، مثنوی ناظر و منظور در وزن مفاعیلن مفاعیلن فاعلن و بحر هزج مسدس محذوف و مثنوی فرهاد و شیرین در وزن مفاعیلن مفاعیلن فاعلن و بحر هزج مسدس محذوف است. وی در سال ۹۶۶ مثنوی ناظر و منظور را به پایان رساند و در سال ۹۹۱ مثنوی فرهاد و شیرین را تا بیت ۱۰۷۰ سرود. بعدها میرزا شفیع متخلص و مشهور به وصال شیرازی ۱۲۵۱ بیت اضافه و صابر شیرازی با افزودن ۳۰۴ بیت مثنوی مزبور را به اتمام رساند. در اشعار وحشی ۳۲ وزن و بحر به کاررفته است (علیزاده، ۱۳۹۲: ۱۳).



وحشی در ۵۲ سالگی در سال ۹۹۱ قمری در یزد به دیدار حق شتافت. او را در کوی سربرج به خاک سپردند.

جدول ۱ قالب‌های شعری در دیوان وحشی بافقی		
تعداد بیت	تعداد	قالب‌های شعری
۲۳۳۸	۳۹۵	غزل
۱۸۷۰	۴۳	قصیده
۲۲۴	۴۳	قطعه
۱۳۲	۶۶	رباعی
۵۸۵	۱۱	ترکیب‌بند
۱۲۵	۱	ترجیع‌بند به روش ساقی‌نامه
۱۲	۱	مخمس
۳۷۹۰	۱۰	مثنوی

### موضوعات مورد بحث

#### شناخت خدا

شناخت و معرفت خدا، موضوعی است که علی علیه السلام در نهج البلاغه زیاد به آن اشاره کرده‌اند. برای مثال، در خطبه ۹۱ می‌فرماید: «وَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَمْ تَتَنَاءَ فِي الْعُقُولِ فَتَكُونَ فِي مَهَبِّ فِكْرِهَا مُكَيِّفًا وَلَا فِي رَوِيَاتِ خَوَاطِرِهَا فَتَكُونَ مَحْدُودًا مُصَرِّفًا»؛ خدایا تو همان خدای نامحدودی هستی که در اندیشه‌ها ننگجی تا چگونگی ذات تو را درک کنند، و در خیال و وهم نیایی تا تو را محدود و دارای حالات گوناگون پندارند (دشتی، ۱۳۸۰: ۴۱). آیات زیر را می‌توان به این کلام امام معصوم علیه السلام نسبت داد.

واحد مطلق صفتش عین ذات	بود یکی ذات و هزاران صفات
حیّ توانا، صمد ذوالجلال	زنده باقی احد لایزال
زو شده موجود هم این و هم آن	بیند و گوید نه به چشم و زبان
وز مدد باصره دارد فراغ	آن که از او دیده فروزد چراغ

(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۱۴)

مانده در این ره خرد دور دو      گُند در این ره نظر تیزرو  
 خود به چنین جا که خرد مانده لال      هست زبان را چه مجال مقال  
 جسم در او راه به جایی نیافت      خواست رود قوت پای نیافت  
 (همان: ۳۱۹).

می‌توان گفت، در این ابیات وحشی بافقی اشاره به ذات خداوند می‌کند و اینکه با این جسم مادی و ممکن الوجود بودن، انسان به کنه ذات خداوند راهی پیدا نمی‌کند. بلکه از اثر به موثر، پی می‌برد. وجود محسوس انسان نشانه‌ای از وجود خداوند است. حتی عقل که پیامبر درون انسان است هم در این مورد راه به جایی نمی‌برد. همان‌طور که حضرت علی علیه السلام اشاره فرموده‌اند، به ذات خداوند دسترسی نیست. در اینجا بینامتنیت به صورت نفی متقارن یا امتصاص به نحوی که معنای دو متن یکی است، ولی از دو دیدگاه به معنایی نزدیک به هم اشاره دارند.

و یا این بیت

بادا امور کل جهان را به ذات تو      آن نوع نسبتی که عرض را به جوهر است  
 (همان: ۱۵۹)

«عرض» به معنای اجسامی است که قائم به ذات خود نیستند. در نگرش عرفانی می‌توان عرض را تعبیر به دنیای «کثرت» کرد. در مقابل «وحدت» را می‌توان تعبیر به «جوهر» کرد. جوهر متعلق به یگانگی مطلق یا هستی مطلق است که قائم به ذات است. به بیان دیگر، در شعر وحشی کل جهان، به «عرض» تشبیه شده است و همه چیز در دنیا را وابسته به ذات خداوند می‌داند. بنابراین، کلام امام علیه السلام که خداوند در خیال و وهم نمی‌آید تا محدود و دارای حالات گوناگون شود به‌طور پنهان در بیت یادشده از وحشی ظاهر شده است و می‌توان گفت رابطه بینامتنی در این بیت جلوه‌گر شده است.

در کلامی دیگر امام معصوم علیه السلام در خطبه ۴۶/۹۴ می‌فرمایند: «فَتَبَارَكَ اللهُ الَّذِي لَا يَبْلُغُهُ بَعْدُ الْهِمَمُ، وَلَا يَنَالُهُ حَدْسٌ (حِسٌّ) الْفِطْرَيْنِ، الْأَوَّلُ الَّذِي لَا غَايَةَ لَهُ فَيَنْتَهِي، وَلَا آخِرَ لَهُ فَيَنْقُضِي»؛ خداوند برتر و بزرگ است. خدایی که اندیشه‌های ژرف، حقیقت ذات او را نتوانند درک کنند و گمان زیرک‌ها آن را نمی‌یابد، آغازی است که نه‌ایندی ندارد تا به آخر رسد، و پایانی ندارد تا ایام او سپری شود (دشتی، ۱۳۸۰: ۴۶).



اسناد «غوص» به «فطن» اسنادی استعاری است، زیرا معنی حقیقی آن فرورفتن حیوان در آب است. در این استعاره امور معقول به آب تشبیه شده و وجه استعاره این است که صفات جلال و کمال خداوند به دلیل نامتناهی بودن و غیرقابل شناخت مانند دریای بیکرانی است که شناگر آن به ساحل نمی‌رسد و غواص این دریا به محل استقرار دسترسی پیدا نمی‌کند. چون شناگر این دریا (فطن) دارای هوش و زیرکی خردمندانه است، آن را به غواص این دریای بیکران تشبیه کرده و غوص را به او نسبت داده است. اضافه غوص به فطن، اضافه معنی صفت به لفظ مصدر بر موصوف، و تقدیر آن «لَاتَنَالُهُ الْفِطْنُ الْغَائِصَةُ» (خاقانی، ۱۳۷۶: ۱۲۰).

می‌توان سروده‌های زیر از وحشی را به سخنان یادشده امام علیه السلام ربط داد:

به کنهت فکر کس را دسترس نیست      تویی یکتا و همتای تو کس نیست  
(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۳۷)

در بیت یادشده، وحشی بیان می‌دارد که فکر هیچ کسی نمی‌تواند به ذات خداوند دست یابد. از طرفی اشاره به یکتایی و بی‌همتایی خداوند دارد. بنابراین، کلام یادشده علی علیه السلام در مورد حقیقت ذات خداوند در این بیت وحشی، نهفته و رابطه بینامتنی به صورت نفی متقارن قابل مشاهده است.

همچنین، حضرت علی علیه السلام در مورد شناخت معرفت در خطبه ۲۳/۴۹ می‌فرماید که «لَمْ يُطَّلِعِ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ وَ لَمْ يَحْجُبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ»؛ عقل‌ها را بر حقیقت ذات خود آگاه نکرده، اما از شناخت معرفت خود باز نداشته است (دشتی ۱۳۸۰: ۲۳).

نظر وحشی بافقی را در زیر می‌توان به کلام مولا نسبت داد:

عقل که هست از همه آگاه‌تر      در ره او از همه گمراه‌تر  
راه به کنهش نبرد عقل کس      معرفت الله همین است و بس  
(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۱۶).

وحشی در دوبیت یادشده می‌گوید با وجود اینکه درک همه معانی منوط به درک عقل است، ولی برای درک ذات خداوند درمانده است. از طرفی شناخت همین نکته که عقل عاجز از درک ذات خداوند است را معرفت الله می‌داند. به بیان دیگر، این ابیات را می‌توان برگرفته از کلام مذکور از



امام علی علیه السلام دانست که درک ذات خدا با عقل را غیرممکن ولی معرفت خداوند را امکان‌پذیر می‌داند. وحشی با تلمیح به کلام امام علی علیه السلام و به صورت بینامتنی به نحو نفی جزئی (اجترار) ابیات بالا را سروده است.

### صبر

علی علیه السلام در باره صبر و آثارش در حکمت ۱۵۳ می‌فرمایند که «لَا يَعْدُمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ التَّرْمَانُ»؛ انسان شکیبا پیروزی را از دست نمی‌دهد، هر چند روزگار آن طولانی شود (دشتی، ۱۳۸۰: ۲۰۳).

وحشی بافقی نیز بیت‌های در مورد صبر دارد که می‌توان آن‌ها را نشأت گرفته از کلام مولا دانست. وحشی در این بیت‌ها نوید آسان شدن و توفیق در کارها و یا به بیانی دیگر، رسیدن به پیروزی را می‌دهد. از این رو، می‌توان گفت کلام امام علی علیه السلام در این دو بیت متبلور است. بینامتنی از نوع نفی متقارن که معنای دو متن یکی است اما با تنوع در توضیح بیشتر است.

صبر در کارها چه نیک و چه بد      از علامات بخردی باشد

(وحشی، ۱۳۹۲: ۲۳۱)

عنایت تو به پاداش صبر دارم و طاقت      به شکر صبر خود و ذکر خیر طاقت خویشم

(همان: ۱۱۲)

همچنین، امام علی علیه السلام در خطبه ۷/۱۹۳ می‌فرمایند: «صَبِّرُوا أَيَّاماً قَصِيْرَةً أَعْتَبْتُمْ رَاحَةً طَوِيْلَةً. تِجَارَةٌ مِرْبَحَةٌ»؛ (پرهیزکاران) در ایام کوتاه زندگی دنیا، صبر کرده تا آسایش جاودان آخرت را به دست آورند. تجارتی پر سود را خداوند برای آن‌ها فراهم آورده است (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۰). مانند تاجری که با داد و ستد، سود فراوان به دست می‌آورد. امام علی علیه السلام «تجاره مربحه» را به صورت استعاره به کار برده‌اند.

وحشی بافقی نیز می‌گوید:

امروز یا فردا اجل دشواری غم می‌برد      وحشی دو روزی صبر کن کار تو آسان می‌کنم

(وحشی، ۱۳۹۲: ۱۱۴)



وحشی با اشاره به صبر، از کلام امام علیه السلام می‌گوید برای رسیدن به آسانی چند روزی در دنیا صبر کن بالاخره مشکلات با صبر و شکیبایی حل خواهد شد. آسانی و سعادت فراهم خواهد شد. در اینجا منظور از «دو روز» به‌طور مجازی، زندگی دنیایی است. در اینجا وحشی بافق با شیوه بینامتنی به نحو نفی جزئی (یا اجترار) از کلام بهره برده است.

#### عفو خدا

امام علیه السلام در مورد عفو خداوند در خطبه ۱۶۰ می‌فرمایند که «يَتَّضِي بِعِلْمٍ وَيَعْفُو (يَعْفِرُ) بِحِلْمٍ»؛ از روی علم حکم می‌کند و با حلم و بردباری می‌بخشاید (دشتی، ۱۳۸۰: ۸۳). در بیت‌های زیر که برگرفته از سخنان امام علیه السلام است، وحشی در مورد عفو این‌گونه سروده است.

چشم حلمش خطای پوش همه	بانگ منعش برون ز گوش همه
(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۰۱)	
جرم است سراپای من خاک نهاد	لیکن بودم به عفو او خاطر شاد
(همان: ۲۴۳)	
به خدایی که لطف او بخشد	صد گنه را به نیم استغفار
از خطایی چو کفر سجده بت	بگذرد عفو او به یک اقرار
(همان: ۱۷۳)	

در این خطبه امام علیه السلام فرموده‌اند که خداوند با بردباری از گناه بنده می‌گذرد و او را می‌بخشد به‌طوری که وحشی از این کلام بیشترین بهره‌برداری را کرده که اگر بت‌پرست بوده و به بت سجده کرده باشی و صدها گناه هم داشته باشی با یک استغفار نیم‌بند خداوند ارحم و راحمین گناه تو را می‌بخشد و مورد عفو خود قرار می‌دهد. اشاره وحشی به «عفو خدا با حلم» را در ابیات یادشده می‌توان تلمیحی به کلام امام علیه السلام دانست که در مصرع مربوط به کارگرفته شده است. در مجموع می‌توان گفت ابیات یادشده با شیوه بینامتنی متأثر از کلام امام علیه السلام به صورت نفی متقارن (امتصاص) است.

## قناعت

در حکمت ۲۷۳ امام علیه السلام می‌فرمایند: «وَقَصَّرَ مِنْ عَجَلَتِكَ، وَ قِفْ عِنْدَ مُنْتَهَى رِزْقِكَ»؛ و شتابت

را کم و به روزی رسیده قناعت کن (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۲۱۳)

در این ارتباط وحشی این‌گونه می‌گوید:

مکن بهر شکم اوقات ضایع      بهر چیزی که باشد باش قانع

به اندک خاک چون قانع شود مار      بود پیوسته با گنجش سر و کار

(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۴۸).

قناعت مولود ایمان در این جهان است که حیات طیبه را به دنبال دارد. یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی را در بر خواهد داشت. در هر یک از سخنان یادشده از امام علیه السلام به گونه‌ای جلوه‌هایی از حیات طیبه با قناعت قابل دستیابی است.

در بیت‌های ارائه‌شده از وحشی، جلوگیری از ضایع شدن وقت و دستیابی گنج توسط ماری که در خاک است، در اثر قناعت به دست می‌آیند. اشاره وحشی به مار و گنج بدان دلیل است که گنج‌ها حاوی فلزات گرانبها هستند که از خود گرما تولید می‌کنند که مکان مناسبی در زیر خاک برای مارها است. از این رو، ماری که به‌طور معمول در زیر خاک زندگی می‌کند، با قانع شدن به خاک، به گنج می‌رسد. بنابراین، وحشی در این بیت‌ها، از کلام امام علیه السلام به صورت بینامتنی به گونه نفی متقارن (امتصاص) بهره جسته، به این نحو که در معنای متن مقداری تغییر و تنوع و نوآوری به وجود آورده است.

## رزق

از گفتار علی علیه السلام در خطبه ۱۱۴ در مورد رزق است که «قَدْ تَكْفَلَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَ أَمْرُكُمْ بِالْعَمَلِ؛ فَلَا يَكُونَنَّ الْمَضْمُونُ لَكُمْ طَلْبُهُ أَوْلَى بِكُمْ مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ، مَعَ أَنَّهُ وَاللَّهِ لَقَدْ اعْتَرَضَ الشَّكُّ وَ دَخَلَ الْيَقِينُ، حَتَّى كَانَ الَّذِي ضَمِنَ لَكُمْ قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ وَ كَانَ الَّذِي قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ قَدْ وُضِعَ عَنْكُمْ»؛ خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما را به کار (صالح) امر فرموده است. پس نباید طلب روزی تضمین شده را بر آنچه که واجب شده است، مقدم دارید. با این که به خدا سوگند آن چنان نادانی و شک و یقین به هم آمیخته است که گویا روزی تضمین شده بر شما واجب است، و آن چه بر شما واجب کرده‌اند، برداشته شده است)



(فیض الاسلام، ۱۳۲۶: ۳۴۹).

بیت‌های زیر از وحشی را می‌توان به سخن یادشده از امام علیه السلام نسبت داد:

چرا خورم غم روزی چو کرده روز اول      تهیه سبب آن، مسبب الاسباب  
چو بی‌طلب رسد از مطبخ تو روزی من      چرا نخوانده به خوان کسی روم چو ذباب  
(وحشی، ۱۳۹۲: ۱۵۳)

رازق ما آنکه به خوان نعم      خواند جهان را به وجود از عدم  
هست جهان سفره احسان او      اهل جهان زله‌خور خوان او  
هر که نه پرورده این نعمت است      از سر خوان عدمش قسمت است  
(همان: ۳۱۵)

منظور وحشی از مسبب‌الاسباب در در آیات یادشده خداوند است و اشاره به آن دارد که از روز اول تولد روزی هر کس ضمانت شده است. در ادامه نیز می‌گوید من بدون آنکه درخواستی کرده باشم روزی ام از جانب خدا فراهم شده است. رزق و روزی ما را خداوند تقبل کرد و از طرفی کوشش را هم چاشنی آن قرار داد. پس چه دلیلی دارد که همانند ذباب (مگس) به بر سر هر سفره بنشینم. همچنین، می‌گوید خداوند پیش از آنکه جهان را از عدم به وجود آورد سفره نعمت‌های خود را گسترده بود. در ادامه اشاره به این نکته دارد که اهل جهان همه زله‌خور سفره او هستند. زله به معنای غذایی است که میهمانان با خود از میهمانی می‌برند. وحشی از روابط بینامتنی، متن غایب (کلام امام) را به صورت نفی کلی (حوار) به کار برده است. به بیان دیگر، بخشی از متن غایب را در بیت متحول کرده است به طوری که متن حاضر با متن غایب متفاوت است.

#### حسد

امام علی علیه السلام در باره حسد می‌فرماید که «لَيْسَ لِحَسُودٍ حُلَّةٌ»؛ برای حسود دوستی نیست (آمدی، ۱۳۳۷: ۵۹۴).

سروده وحشی در این رابطه به صورت زیر است:

ای ز حسد با همه عالم به جنگ      زین عمل بد همه عالم به تنگ  
(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۳۳).



می‌توان گفت در این ابیات وحشی از بینامتنی به صورت موازی یا متقارن (امتصاص) استفاده کرده، به گونه‌ای که در معنای متن مقداری تغییر و تنوع و نوآوری به‌وجود آورده است.

همچنین، امام علی علیه السلام در حکمت ۲۵۶ می‌فرماید که «صِحَّةُ الْجَسَدِ، مِنْ قَلَّةِ الْحَسَدِ»؛

سلامتی تن در دوری از حسادت است (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۹).

وحشی در باره این سخن امام علی علیه السلام چنین سروده است:

نیست ز رنج حسد امید زیست      وای به جان تو علاج تو چیست

(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۳۳).

شعله زنی بر تن خود شمع وار      تا دگری از تو شود داغدار

آن که به ره خار فشان بست بار      باز چو گردید به ره داشت خار

(همان: ۳۳۴)

علی علیه السلام می‌فرماید که حسد سلامت تن را از بین می‌برد. این نکته در ابیات مورد اشاره

از وحشی به صورت بینامتنی به نحو نفی متقارن (امتصاص) آورده شده است به این نحو که معنا عوض نشده، بلکه امر عقلی را به صورت محسوس نمایان کرده است. به بیان دیگر، نبودن امید به زیستن و نیز شعله زنی بر تن، حاکی از آسیب رساندن به جسم و روان خویش است.

#### خاموشی

از سخنان علی علیه السلام در حکمت ۲۲۴ است که «بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ»؛ با سکوت بسیار،

شکوه انسان بیشتر می‌شود (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۷).

می‌توان بیت زیر از وحشی را مرتبط با این سخن امام علی علیه السلام دانست:

بر آن کس کز هنر یک سو نشسته      خموشی رخنه صد عیب بسته

(وحشی، ۱۳۹۲: ۴۱۰).

می‌توان گفت وحشی در این بیت با استفاده کلام امام علی علیه السلام به صورت بینامتنیت به نحو نفی

جزیی (اجترار) از سخن امام علی علیه السلام تأثیر پذیرفته است. کسی که در جایی نشسته، سکوتش باعث

می‌شود که عیب‌های او دیده نشود.



بیت زیر را نیز می‌توان متأثر از سخن یادشده از امام علیه السلام دانست:

مهر خموشی به لب خویش نه      پستی خود را نکنی فاش به

(همان: ۳۲۲)

در اینجا می‌توان گفت وحشی به صورت بینامتنی به نحو نفی کامل (حوار) استفاده کرده است. امام علیه السلام فرموده‌اند که سکوت باعث شکوه و عظمت انسان می‌شود، ولی وحشی می‌گوید سکوت تو موجب می‌شود که پستی و بی‌ارزشی تو مشخص نشود و در نهایت آبروی تو محفوظ بماند. در حکمت ۱۸۲ نیز امام علیه السلام می‌فرمایند: «لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ، كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ»؛ در آنجا که باید سخن گفت، خاموشی سودی ندارد و آنجا که باید خاموش ماند، سخن گفتن خیری نخواهد داشت (دشتی و محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

سروده وحشی در این باره:

ولی آنجا که باشد جای گفتار      خموشی آورد صد نقص در کار  
اگر بایست دائم بود خاموش      زبان بودی عبث، بی‌ما حاصل گوش

(وحشی، ۱۳۹۲: ۴۱۰).

و یا در جایی دیگر وحشی بافقی می‌گوید:

در این دریا که از در نیست آثار      درون پر گهر داری صدف وار  
دهن بگشا و بنما گوهر خویش      مکن لب بستگی آیین از این بیش  
چو ماند در صدف بسیار گوهر      به خاک تیره می‌گردد برابر

(همان: ۳۴۵)

در اینجا امام علیه السلام فرموده‌اند که در همه جا سکوت زیبا نیست، بلکه در جایی که لازم است باید سخن گفت و در جایی که صلاح نیست نباید حرف زد. وحشی هم در ابیات یادشده با اشاره به سخن امام علیه السلام، گفته است در جایی که لازم است سخن بگویی، حرف نزدن صد نقص را به همراه می‌آورد. اگر بنا بود که همیشه خاموش باشی، خداوند زبان را عبث آفریده بود، در حالی که خداوند چیزی را عبث نیافریده است. همچنین، در این دو بیت وحشی با بهره‌گیری از کلام امام علیه السلام به صورت بینامتنی به نحو نفی متقارن (امتصاص)، به گونه‌ای که معنا عوض نمی‌شود بلکه با تنوع

امر عقلی به امر محسوس آشکار شده اشاره دارد که خاموشی مانع آشکار شدن عیب‌های فرد می‌شود. از طرفی در جایی که لازم است سخنی گفته شود، خاموشی موجب نقص در کارها می‌شود.

### تکبر و غرور

از سخنان علی علیه السلام در خطبه ۹۹ در موضوع تکبر و غرور است که «فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرِهَا، وَلَا تَعَجَبُوا بِرِئْتِهَا وَ نَعِيمِهَا، وَلَا تَجَزَّعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَ فَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ، وَإِنَّ زِينَتَهَا وَ نَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ، وَ ضَرَاءُهَا وَ بُؤْسُهَا إِلَى نَفَادٍ (نَفَادٍ)، وَ كُلُّ مَدَّةٍ فِيهَا انْتِهَاءٌ»؛ پس در عزت و ناز بر یکدیگر پیشی نگیرید، و فریب زینت‌ها و نعمت‌ها را نخورید و مغرور نشوید، و از رنج و سختی آن ننالید، و ناشکیبا نباشید، زیرا عزت و افتخارات دنیا پایان می‌پذیرد و زینت و نعمت‌هایش نابود و رنج و سختی آن تمام می‌شود، و هر مدت و مهلتی در آن به پایان می‌رسد (دستی و محمدی، ۱۳۸۰: ۴۹).

غرور در بیت‌هایی از وحشی بافقی که می‌تواند نشأت گرفته از سخن یادشده از امام علیه السلام

باشد:

بر همه خلق است تقدم ترا	وجه شرف چیست به مردم ترا
گر به لباس بود این برتری	این که نباشد به چه فخرآوری
ور تو به گنج و درمی محترم	چون کنی آن دم که نباشد درم
گوهر آدم اگر از درهم است	خر که زرش بار کنی آدم است

(وحشی، ۱۳۹۲: ۳۲۸).

وحشی در این بیت‌ها اشاره به این دارد که لباس و گنج و درهم نایستی موجب کبر و غرور شود. چون اگر بزرگی و احترام انسان به این چیزها باشد با از دست دادن آن‌ها بزرگی و احترام خود را از دست خواهد داد. وی در اینجا خر را مثال می‌زند که با بار زر آدم نمی‌شود. تمام انسان‌ها در پایان زندگی خود، تمام دارایی‌های خود را از دست می‌دهند و آنچه برای انسان باقی می‌ماند آدمیت اوست که توشه آخرت است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که وحشی به صورت بینامتنی به نحو نفی متقارن از سخنان امام علی علیه السلام در سرودن این بیت‌ها بهره برده است.

### علم و آگاهی علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام در باره آگاهی و علم خویش در خطبه ۱۸۹ می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي فَلَا تَأْتِي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ قَبْلَ أَنْ تَشْعَرَ بِرِجْلِهَا فِتْنَةٌ تَطَّأُ فِي خِطَامِهِ، وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهِ»؛ ای مردم پیش از آن که مرا نیابید، آن چه می‌خواهید سوال کنید که من راه‌های آسمان را از زمین بهتر می‌شناسم، بی‌رسید قبل از آن که فتنه‌ها چونان شتری بی صاحب حرکت کند، مهار خود را پایمال کند و مردم را بکوبد و بیازارد، و عقل‌ها را سرگردان کند (دستی و محمدی، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

بیت‌های زیر از وحشی را می‌توان به این کلام امام علیه السلام نسبت داد:

نه هر کس محرم راز فوحی ست	نه هر دل کاشف اسرار اسری ست
نه هر دانش به این مقصد برد پی	نه هر عقلی کند این راه را طی
به خلوتخانه وحدت برد راه	نه هر کس در مقام لی مع الله
سلونی گفتن از وی در خور آید	نه هر کو بر فراز منبر آید
که شهر علم احمد را بود در	سلونی گفتن از ذاتی ست درخور
نه هر کس را در آن خلوت بود جای	چو گردد شه نهانی خلوت آرای

(وحشی، ۱۳۹۲: ۴۰۵)

در بیت‌های مثنوی یادشده وحشی از «سلونی» که در کلام امام علیه السلام آمده، استفاده کرده است. به بیان دیگر، با تلمیح از کلام امام علیه السلام و اقتباس از کلام پیامبر صلی الله علیه و آله (أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا) بیت‌های مربوط را سروده است. وی متن غلب امام علیه السلام را به صورت نفی جزئی و یا اجترار در ابیات حاضر به کار برده است. در بیت‌های زیر به صورت استفهام تقریری، به تبیین بیشتر مصراع «که شهر علم احمد را بود در» می‌پردازد و می‌خواهد اثبات کند، حضرت علی علیه السلام گنجینه علم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

در علم نبی غیر از علی کیست	ز هستی مدعا غیر از علی چیست
زهی از آفرینش مدعا تو	در گنجینه سرّ خدا تو

(همان: ۳۴۳)

## نتیجه‌گیری

در این مقاله، کل دیوان وحشی بافقی که دربرگیرنده غزلیات، قصاید، قطعه‌ها، رباعی‌ها، ترکیب‌بندها و مثنوی‌ها است، مطالعه و موضوع‌بندی شد. در حدود ۵۰ موضوع کلامی، اخلاقی، تعلیمی و تربیتی در اشعار وی، شناسایی شد که می‌تواند نشأت گرفته از سخنان علی‌علیه‌السلام باشد. برای رعایت اختصار، تنها نتیجه بررسی تحلیلی ۵۰ بیت از دیوان وحشی بافقی که در راستای کلام امام علی‌علیه‌السلام تشخیص داده شده بودند، ارائه شده است. موضوعات مورد بحث شامل شناخت خدا، صبر، عفو خدا، قناعت، رزق، حسد، خاموشی، تکبر و غرور، علم و آگاهی علی‌علیه‌السلام، هستند. در این میان، بیت‌هایی که می‌توان گفت نشأت گرفته از سخنان امام‌علیه‌السلام بودند، بیشتر در مثنوی‌ها یافت شدند. حال آنکه در غزل‌های وی کمتر ردپایی از سخنان حضرت علی‌علیه‌السلام یافت می‌شود و جلوه‌هایی از عشق‌های زمینی و شکست و ناامیدی در آنها به چشم می‌خورد. وحشی بافقی در قصاید اگرچه به مداحی امام‌علیه‌السلام پرداخته، ولی کمتر به کلام ایشان توجه کرده است. وی در مثنوی خلد برین که از آثار اواخر زندگی اوست، مدعی است که طرحی نو برانداخته است. طرح نو را می‌توان بیشتر به عرفانی شدن اشعار او نسبت داد که در برخی از اشعار عرفانی او جلوه‌هایی از کلام امام‌علیه‌السلام به صورت بینامتنی شامل نفی جزئی (اجترار)، نفی متقارن (امتصاص) و نفی کامل (حوار) متبلور است.



## منابع

. قرآن مجید.

- . نهج البلاغه، ۱۳۲۶ ش، ترجمه و شرح نهج البلاغه: سیدعلینقی فیض الاسلام، تهران: آذربادگان.
۱. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۳۵ ش، *غرر الحکم و درر الکلم*. ترجمه: محمدعلی انصاری، قم: دارالکتاب.
  ۲. ابن ابی الحدید المعتزلی، عبدالحمید، ۱۹۹۵ م، *شرح نهج البلاغه*. جلد ۱۰، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
  ۳. دشتی، محمد و محمدی، سیدکاظم، ۱۳۸۰ ش، *معجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه*، قم: انتشارات مشهور.
  ۴. راثی، محسن، ۱۳۸۳ ش، *تاثیر نهج البلاغه و کلام امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در شعر فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
  ۵. شمیسا، سیروس، ۱۳۹۷ ش، *سیرغزل در شعر فارسی*، تهران: نشر میترا.
  ۶. طهماسبی، فرهاد، ۱۳۹۷ ش، *بلاغت کاربردی در پیوند با نظریه‌های ادبی معاصر*، تهران: انتشارات روشن اندیشان.
  ۷. مکاریک، ایرناریمان، ۱۳۹۸ ش، *دانشنامه نظریه‌های ادبی*، مترجمان نبوی، محمد و مهاجر، مهران، چاپ ششم، تهران: آگه.
  ۸. نامور مطلق، بهمن، ۱۳۹۰ ش، *درآمدی بر بینامتنیت نظریه‌ها و کاربردها*. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
  ۹. وحشی بافقی، مولانا شمس الدین محمد، ۱۳۹۲ ش، دیوان اشعار، مصحح عزیزالله علیزاده، تهران: انتشارات فردوس.
  ۱۰. هاشم‌پورسبحانی، توفیق، ۱۳۹۲ ش، *تاریخ ادبیات ۳*، چاپ بیستم، تهران: دانشگاه پیام نور.

## مقالات

۱۱. پورهادی، آتنا، ۱۳۹۱ ش، «تاثیرپذیری ادب فارسی از نهج البلاغه (از عصر سامانیان تا دوره صفویان)»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، جلد ۳، جمعی از نویسندگان، ۲۸۱-۳۰۶، قم: نشر آه.
۱۲. جعفری، سید محمد مهدی، ۱۳۸۴ ش، «تاثیر نهج البلاغه بر ادب فارسی»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۲، ۴۲، ۱-۱۸.



۱۳. حجت، محمد، ۱۳۹۰ش، «نمود آموزه‌های عرفانی در اشعار بیدل دهلوی»، *فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی*، ۳، ۹، ۴۷-۷۶.
۱۴. حسینی اجدادنیایی، سید اسماعیل، رخشنده‌نیا، سیده اکرم و بانگ‌آور، سودابه، ۱۳۹۱ش، «بینامتنی نهج البلاغه در اشعار حکیم ناصر خسرو»، *چکیده مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، ۱۰۶، قم: نشر آ.
۱۵. خضری، علی، ۱۳۹۴ش، «بازتاب نهج البلاغه در شعر ناصر خسرو»، *مجموعه مقالات همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی*، ۸۴-۹۷.
۱۶. خورانی، بهزاد، شریفی، غلام‌حسین، ۱۳۸۹ش، «صائب تبریزی و هنجارهای اخلاقی: بازنمایی اخلاق در عصر صفویه»، *اخلاق*، ۲۲، ۲۵-۵۰.
۱۷. دین‌پرور، سیدجمال‌الدین، ۱۳۸۰ش، «نهج البلاغه پارسی در بوته نقد»، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، ۹۸-۱۰۳، ۱.
۱۸. ساحلی زادگان، آسیه، ۱۳۹۷ش، «بررسی تطبیقی تأثیر نهج البلاغه بر اشعار شاعران ایرانی و استاد شهریار»، *فصلنامه اورمزد*، ۴۴، ۴-۲۵.
۱۹. طغیانی، اسحاق و علیزاده، علی، ۱۳۹۴ش، «دیدگاه‌های اخلاقی و تربیتی در شعر وحشی بافقی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، ۷، ۲۵، ۱-۳۶.
۲۰. مختاری، قاسم و محبی، سحر، ۱۳۹۳ش، «بینامتنی قرآن و نهج البلاغه در اشعار خیام نیشابوری و ابوالعلاء معری»، *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، ۲، ۱، ۶۳-۸۰.
۲۱. مقداری، صدیقه سادات، ۱۳۹۲ش، «آشنایی زدایی و برجسته‌سازی زبانی در غزلیات مولانا شمس‌الدین محمد وحشی بافقی»، *فصلنامه پژوهشی ادبی و بلاغی*، ۱، ۲، ۲۶-۳۶.
۲۲. مهدوی، معصومه، ۱۳۹۱ش، «تجلی مفاهیم نهج البلاغه در شعر معاصر فارسی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، جلد ۴، قم: نشر آ.
۲۳. نوریان، فاطمه، ۱۳۹۱ش، «قناعت در نهج البلاغه و بررسی تطبیقی آن با رساله قشریه و مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نهج البلاغه و ادبیات*، جلد ۴، قم: نشر آ.